آینه

جمهوری اسلامی

اجرای دستور روسای سابق در پاستور

عناصر باقیمانده از دولت سابق در بخش مالی نهاد ریاست‌جمهوری هنوز هم به توصیه‌های روسای گذشته خود که از نهاد، اسباب‌کشی کرده‌اند عمل می‌کنند و حتی به حواله‌های تاریخ گذشته یا بی‌تاریخ آنها ترتیب اثر داده و مبالغ قابل‌توجهی را هرروز به این‌وآن می‌پردازند. اسامی این عناصر که متاسفانه هنوز در قسمت مالی نهاد مشغول فعالیت هستند، به مسوولان جدید داده شده است.

گزارش بازرس ویژه احمدی‌نژاد از تخلفات رییس دانشگاه آزاد

بازرسی ویژه ریاست‌جمهوری در آخرین روز مسوولیت احمدی‌نژاد، در نامه‌ای به رییس دانشگاه آزاد اسلامی، اطلاعاتی از تخلفات و موارد رخ داده در این دانشگاه در دوره ریاست کوتاه برادران دانشجو را خواسته است. به گزارش خبرنگار «آینده»، در این نامه که روز ۱۲مرداد، یعنی دقیقا آخرین روز مسوولیت احمدی‌نژاد صادر شده است، به مواردی همچون به‌کارگیری خویشاوندان دانشجو در ستاد مرکزی و سایر واحدهای دانشگاه آزاد، استفاده از دیتاسنتر دانشگاه آزاد برای تبلیغات انتخاباتی خسرو دانشجو، برادر فرهاد دانشجو، رییس دانشگاه آزاد، بسیج‌کردن گروهی از پرسنل واحد علوم تحقیقات برای فعالیت در ستاد تبلیغاتی خسرو دانشجو و استفاده از بودجه دانشگاه و پرداختن آن به برخی تشکل‌ها برای هزینه‌کردن در ستاد یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری اشاره شده است.

همچنین در بخش دیگری از این نامه ۲۴بندی، به موارد جالبی نظیر برگزاری میهمانی خاص در برج میلاد و واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد از بودجه این دانشگاه که با شهریه دانشجویان تامین می‌شود، تغییرات مشکوک در حساب‌های بانکی دانشگاه، راکد نگه‌داشتن حساب سپرده‌های متمرکز و افتتاح حسابی پرگردش در یک شعبه خاص و آوردن وجوه حساب‌های واحدهای مختلف دانشگاه به یک حساب خاص اشاره شده و بابت آنها توضیح خواسته شده است. اهمیت این موضوع در این است که در مدت کوتاه مدیریت جدید دانشگاه آزاد، این‌همه انحراف به وجود آمده است.

کیهان

سرمقاله: «معامله مصالحه با محارب؟!»؛ محمد ایمانی

آیا با آمریکا می‌شود «مصالحه» کرد و به توافق رسید؟ ... یکی از چهره‌های سیاسی اخیرا گفته که «مصالحه با دشمن مسالمت‌جو هم رواست»... اگر به حرمت آقای هاشمی از تعبیر خودزنی ابا کنیم، باید گفت این سخنان نقض غرض و خالی‌کردن زیرپای استدلال و اعتبار گوینده با هم است. یعنی می‌شود نامه‌ای را تایپ هم نکرد و خدمت امام فرستاد تا دست کسی نیفتد و حالا همین اقدام به ظاهر سری را علنا جار زد؟! ثم ماذا؟!! طرف آمریکایی باید برای این خوداظهاری (!) کف بزند و شما را تشویق کند که می‌گویید نه امروز بلکه ۷-۲۶ سال پیش مقابل آمریکا کم آورده بودید؟ آقای هاشمی را هرگز نمی‌توان با مصدق مقایسه کرد. هاشمی روحانی است، زندان‌چشیده و شکنجه‌دیده است. او همان کسی است که زمانی در خطبه‌های نمازجمعه گفت آمریکایی‌ها مسایل را مانند گاو تحلیل می‌کنند.

رسالت

سرمقاله: « چهار کلمه حرف‌حساب با خاتمی»؛ محمدکاظم انبارلویی

آقای خاتمی گفته است: «کسانی به مظهر انقلاب تبدیل شده‌اند که هیچ نسبتی با تفکر و سوابق انقلاب ندارند» قطعا آقای خاتمی برای بیرون‌شدن کینه از دل‌ها این حرف را نزدند. چون دارند تخم کینه از کسانی را که به زعم او هیچ نسبتی با انقلاب ندارند اما مظهر انقلاب هستند، می‌کارند. البته از باب شفاف‌گویی باید نام و نام‌خانوادگی این افراد، شماره‌شناسنامه و شماره کارت‌ملی‌شان را بدهد تا مردم با آنها آشنا شوند. اما وی... از آقای منتظری به‌عنوان یکی از ارکان و تئوریسین بزرگ انقلاب اسلامی یاد کردند. خوب است وی در دیدارهای بعدی نسبت این رکن انقلاب و تئوریسین انقلاب را با امام(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی و به ویژه‌نامه ۶۸/۱/۶ ایشان مشخص کنند. تجلیل از آقای منتظری در این اندازه با سوابق او که در آخرین روزهای حیات امام، خون به دل امام و انقلابیون کرد چه معنی می‌دهد؟

جوان

یادداشت: «آقای خاتمی! اتفاقا ما به نظام نقد داریم»؛ حسین قدیانی

آقای خاتمی در حالی درخواست آزادی زندانیان محارب و رفع‌حصر سران فتنه را دارد که دست خودشان در خون قربانیان فتنه به‌شدت آلوده است... اگر خاتمی و موسوی و کروبی «دوستان خوب نتانیاهو» نبودند و اگر حرمت قانون و رای اکثریت، بلکه رای ۴۰میلیونی ملت، پاس داشته می‌شد، آیا باز هم ماجرای کهریزک رخ می‌داد؟! و آیا بازهم کسی چون ندا آقاسلطان، قربانی دسیسه فتنه‌گران می‌شد؟! ... جناب خاتمی! مادام که دربرابر خون شهدای ۸۸ تا کمر خم نشوید، نه این نظام، متعلق به شماست، نه شما تعلقی به این نظام دارید. خیالتان تخت! و اگر شما را نه تنفیذ راه دادند و نه تحلیف، دیگر دلیل نمی‌شود که اضافه بر سازمان سخن بگویید و... البته! نقدهایی هم به نظام داشته باشید! فی‌المجلس - و از آنجا که در مثل، مناقشه نیست! - آنکه به نظام، نقد جدی دارد ماییم که چرا سنگ‌ها را بسته و سگ‌ها را آزاد گذاشته است؟

اعتدال به‌مثابه روش یا گفتمان؟

همایش تبیین مفهوم اعتدال با حضور استادان و پژوهشگران ایرانی در مرکز تحقیقات استراتژیک آغاز به کار کرد

علی ربیعی در همایش تبیین مفهوم اعتدال /عکس: عرفان کوچاری

شرق: مهم‌ترین سخنران روز نخست همایش «تبیین مفهوم اعتدال» محمدجواد غلامرضاکاشی بود، با لحنی انتقادی نفس برگزاری چنین سمینارهایی را زیر سوال برد و «روش اعتدالی» را در مقابل «گفتمان اعتدال» گذاشت: «به‌جای گفتمان‌سازی‌های یک‌شبه باید به اعتدال به‌مثابه روش نگریست.» از نظر او روش اعتدالی عبارت است از مشارکت‌دادن همه گروه‌های سیاسی-اجتماعی موجود در جامعه برای پیگیری مطالباتی که منجر به حضور آنها در انتخابات شد. کاشی برای دولت یازدهم آرزویی هم کرد: «امیدوارم دولت روحانی همچون دولت هاشمی نباشد.»

کمی پس از پیروزی «حسن روحانی» در انتخابات ریاست‌جمهوری و نقل‌مکان او از مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام به دفتر ریاست‌جمهوری در میدان پاستور، همکاران سابق او در این مرکز به همراه انجمن علوم‌سیاسی ایران با همکاری انجمن جامعه‌شناسی و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، همایش دو روزه‌ای را با عنوان تبیین مفهوم «اعتدال» در تاریخ پنجم و ششم شهریور در سالن همایش «آفتاب» این مرکز برگزار کردند. در این همایش استادان و صاحبنظرانی چون صادق آیینه‌وند، محمدجواد غلامرضاکاشی، داوود فیرحی، محسن الویری، محمدحسین ملایری، حسین سلیمی، ابوالفضل دلاوری، محمدرضایی، الهه کولایی، سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و سیدمحمدکاظم سجادپور در روز اول به ایراد سخنرانی پرداختند و در روز دوم سیدحسین سراج‌زاده، محمد فاضلی، مجتبی مقصودی، محمدامین قانعی‌راد، حمیدرضا جلایی‌پور، هادی خانیکی، سعید معیدفر، فرشاد مومنی و سعید لیلاز سخنرانی خواهند کرد. این همایش دو روزه که با حضور تقریبی ۲۰۰میهمان و با ثبت‌نام قبلی آنان برگزار شد قرار است به همه حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و دین بپردازد و در هرکدام از این حوزه‌ها مفهوم اعتدال را تبیین کند. همایش در چهار محور تبیین نظری مفهوم اعتدال ابعاد سیاسی اعتدال در عرصه‌های داخلی و خارجی در دو پنل صبح و بعدازظهر در روز اول برگزار شد و امروز نیز در ادامه سخنرانی‌های دیروز به مفهوم اعتدال در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و تبیین مفهوم اعتدال در عرصه‌های اقتصادی می‌پردازد. مراسم افتتاحیه با سخنرانی «حسین سلیمی» دبیر همایش آغاز شد. پس از او «علی ربیعی» از مشاوران دکتر روحانی قبل از انتخابات و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت او در مورد مقدمات برگزاری این همایش در سخنرانی افتتاحیه گفت: «از اولین روز بعد از پیروزی آقای دکتر روحانی در انتخابات، کارگروهی برای تبیین مفهوم اعتدال آغاز به کار کرد و من مدیریت این کارگروه را برعهده داشتم. بنابراین در این کارگروه با متفکران بسیاری که برخی از این بزرگان هم اکنون در بین سخنرانان این همایش هستند بحث و گفت‌وگو شد. کوشیدیم تا اندیشمندانی متعلق به نحله‌های فکری مختلف و دارای تعلقات به گرایش‌های سیاسی گوناگون را برای گفت‌وگو گرد هم آوردیم.» پس از ربیعی و برخلاف برنامه که قرار بود «اسحاق جهانگیری» سخنرانی کند «محمد نهاوندیان» رییس دفتر رییس‌جمهور و رییس اتاق بازرگانی صحبت کرد. او در بخشی از سخنان خود به ارتباط مفهوم اعتدال و جلوگیری از افراط‌وتفریط که موجب سردرگمی بازار می‌شود پرداخت. پس از آن پیام حسن روحانی توسط دکتر «ملایری» مشاور ویژه رییس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و از مسوولان برگزاری همایش قرائت شد. در بخشی از این پیام آمده است: «اعتدال واژه‌ای است که آن را بر مردمان وطنم عرضه کردم تا آنان را به ضرورت آغاز راهی نو فراخوانم و امید را در دل افراد جامعه زنده کنم. من با ادراک خویش از اعتدال، آن را محملی برای بهتر زیستن ایرانیان می‌دانم. باور داشتم که اعتدال، آرمان‌خواهی واقع‌بینانه است. از امیر مومنان آموخته بودم که «هرکه همراه آرزوی خویش تازد مرگش به سر درانداز» و می‌دانستم که آرزوها را باید با بند مقدورات اسیر کرد تا جانب اعتدال رعایت شود. هم از او آموخته بودم که اعتدال و عدل نسبی وثیق دارند و عدل بر چهار شعبه است: بر فهمی ژرف‌نگرنده و دانشی پی به حقیقت برنده و نیکوداوری فرمودن و در بردباری استواربودن. و آن شق از دولتمردی که بر فهم ژرف، دانش، داوری بر مدار اخلاق و انصاف و بردباری استوار نباشد اعتدال ندارد و خلایق را می‌آزارد اما واژگان چون گفته آیند گاهی از گوینده جدا و به حیات مستقل خویش درآیند. اکنون این واژه مُلکی که هر جوینده در آن برای خود مِلکی می‌جوید و ظرفی است که هر گوینده برای آن مظروفی تدارک می‌کند اما نیک می‌دانم که تدبیر بر هر معنایی از اعتدال مترتب نمی‌شود؛ و امید با هر خوانشی از اعتدال در قلب‌های مردمان سرزمینم جاری نمی‌گردد. سال‌هاست که با عقلا هم‌نشینم و از خرمن معرفتشان خوشه‌چینم. خاطرم از بسیاری گلایه‌هایشان که دولتیان، مطاع عقل را به کفایت اجر نمی‌نهند، خاطره‌ها انباشته است. اما امروز بسیار خرسند و خداوند را شاکرم که راه دولتمردی و سیاست‌ورزی را با یاری‌جستن از صاحبان معرفت و با پیشگامی دولتیان در مطالبه‌کردن خرد و رای ایشان می‌آغازیم. به همین‌سان شادم از آنکه هرچند به اندازه گامی کوتاه به وعده خویش نزدیک شدم و چنانچه گفته بودم انجمن‌های علمی را در کسب شناخت‌ها، تدارک برنامه‌ها و تنظیم اقدام‌ها مشارکت می‌دهیم، چراکه این گرد هم آمدن حاصل همت سه انجمن از بزرگان علوم انسانی و اجتماعی این سرزمین نخبه‌پرور است. این هم‌یاری و هم‌اندیشی را به فال نیک گرفته و امید دارم در همه روزهایی که از مسوولیت خویش در پیش دارم مستظهر به کوهی از خردورزی، تحلیل و تبیین، نقد و نظر و راهنمایی شما باشم. امید دارم بر بستر درایتی که از این هم‌اندیشی حاصل می‌شود بر همه عزم‌هایی که عزیمت کرده‌اند تا مردم ما را از تعالی و بهروزی باز دارند چیره گردیم و گره‌هایی که بسته‌اند، بگشاییم و همواره به یاد داشته باشیم که امیرمومنان فرمودند «خدا را شناختم از سست‌شدن عزیمت‌ها و گشوده‌شدن بسته‌ها» از این‌رو امید دارم به یاری یکدیگر به فهمی از اعتدال برسیم که تدبیر در آن مترتب و امید از چشمه آن جوشان باشد.»

متصف‌کردن دولت‌ها در ایران به صفات متفاوتی از قبیل دولت سازندگی، دولت اصلاحات، دولت مهرورزی و برگزاری همایش‌های علمی در تبیین این صفات و ساختن واژگان جدید در ادبیات سیاسی روز در دولت‌های گذشته هم مسبوق به سابقه است. برگزاری سمینار تبیین مفهوم «اعتدال» را هم باید در زمره همین سمینارهای علمی گنجاند. در این همایش منتقدان گفتمان «اعتدال» نیز حضور داشتند. به باور آنان، رای مردم برای تغییر وضع موجود در ۲۵خرداد امسال را نمی‌توان با فروکاست خواست مردم به اعتدال بررسی کرد. جامعه ایران نیز مانند همه جوامع دیگر دارای گروه‌های جمعیتی متنوع با تضادهای عینی مذهبی، طبقاتی، قومیتی و جنسیتی است. شاید بهترین رویکرد برای دولت جدید چنان‌که دکتر کاشی تشریح کرد، پرهیز از ساختن گفتمان جدیدی به نام «اعتدال» توسط دولت جدید باشد. دولت می‌تواند به مثابه «مرکز مدیریت سیاسی» به بسترسازی برای ایجاد نهادهای مدنی برای بیان این تعارضات واقعا موجود در سطح جامعه و اتخاذ رویکرد عملی برای پیش‌گرفتن اعتدال بپردازد.

مبنا و مفهوم اعتدال در اندیشه اسلامی

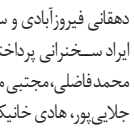

داوود فیرحی
عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران

«اعتدال» در محاورات عمومی، معمولا به معنای تعادل و میانه‌روی در گفتار و کردار، و در مقابل واژه‌هایی چون افراط و تفریط است هرچند نظریه‌ای با این عنوان در تاریخ اندیشه سیاسی مسلمانان به چشم نمی‌خورد اما مفهوم اعتدال در محتوای بسیاری از آثار و اندیشه‌های اسلامی وجود دارد و در این ادبیات و آثار مکنون است. اعتدال در ادبیات اسلامی از دو ریشه مرتبط با هم اتخاذ شده است: ۱)عِدل و ۲)عَدل.

الف-عِدل به معنای توازن و کردار متوازن است. زیستن در میانه و فارغ از افراط و تفریط، و این سخن معروف که بار کج به منزل نمی‌رسد. اعتدال به این معنی، شواهد زیادی در نصوص اسلامی و نظریه‌های متفکران دارد. از ویژگی‌های اعتدال به معنای نخست می‌توان بر تصمیم و کردار مبتنی بر اندیشه و دانش اشاره کرد. برخی متون اسلامی چهار ویژگی زیر را از مختصات عمومی اعتدال و انسان معتدل شمرده‌اند.

۱- اندیشه در زوایای امور
۲- تکیه بر دانش و آگاهی
۳- داوری نیکو در کارها و مسایل
۴- استواری در صبوری و شکیبایی

این ملاحظات نشان می‌دهد که اعتدال به معنای عِدل، یعنی توازن و میانه‌روی، نمی‌تواند فاقد معیار و مبنای روشن باشد. به طور کلی فقدان مبنی و معیار مساوی فقدان توازن است و بالعکس. در زیر به این معیارها اشاره می‌کنیم.

ب-عَدل، در ادبیات اسلامی به معنای قراردادن هر چیز در جای خود، و بنابراین تصمیم و عمل بر اساس معیارهای روشن است. طبق این تعریف، هر گفتار و کردار خالی از «معیار» را ظلم تلقی می‌کنند. مسلمانان بر خلاف یونانیان، دو معیار متفاوت را از هم تفکیک کرده‌اند:

۱-عمل بر اساس شریعت در حوزه تکالیف قطعی شرع.
۲- عمل بر مدار قانون در حوزه حقوق، آزادی‌ها و امور نوعی یا عمومی جامعه.

در جامعه اسلامی احکام قطعی شریعت را معیار قاطع حل و فصل اختلافات در حوزه‌های مهمی مثل حدود و دیات و ... می‌دانند و در این موارد احتیاج به معیار دیگری نمی‌بینند. اما در حوزه‌هایی که احکام قطعی شریعت وجود ندارد، یعنی به اصطلاح فقیهان، حوزه مباحات اصلی است و همه حقوق و آزادی‌ها، و بسیاری از امور عمومی، اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را فرا می‌گیرد، به معیار دیگری می‌اندیشند که همان «قانون» است. متفکران مسلمان در تبیین مساله، از سه نوع عدل یا عادل سخن می‌گویند:

۱- عَدل/عادل اصغر = پول که معیار ارزیابی ارزش کالاها، حل مشکل مبادله و ابزاری برای حل اختلاف است.

۲- عَدل/عادل اوسط= قانون که معیاری برای سنجش اعتدال و بی‌اعتدالی شهروندان در گفتار و کردار است. طبق این نظر، عمل به قانون ضرورتا لازم و نشانه اعتدال است. هرچند ممکن است قانون مطابق انصاف نبوده و نیازمند اصلاح بوده باشد. اما تا زمانی که قانونی تغییر نکرده است، معتبر و معیار است.

۳- عَدل/عادل اکبر= انصاف، که مبنای وضع و اصلاح قوانین کشور بر اساس نیازها و اخلاق عمومی و بر مبنای مختصات چهارگانه پیش‌گفته در بند (الف) است یعنی، اندیشه، دانش، داوری درست و شکیبایی‌های لازم در فرآیند وضع و تغییر قوانین.

این قسمت سوم، یعنی اعتدال به مثابه انصاف در وضع و اصلاح قوانین، اهمیت زیادی از دیدگاه نوشته حاضر دارد و مفاهیم عدالت و اعتدال را با دموکراسی و رای همه یا اکثریت پیوند می‌دهد، اعتدال به مثابه روش، در این فرصت، این نکته را برجسته خواهیم کرد.

اعتدال از نگاه سیره و میراث اسلامی

صادق آیینه‌وند
عضو هیات‌علمی دانشگاه تربیت‌مدرس

واژه اعتدال که ما در زبان فارسی برای آن معادل میانه‌روی، میانه‌جویی و میانه‌گری را به‌کار می‌بریم، از عَدَل است. اعتدال میانه‌جویی بین دو حالت است از حیث کمی یا کیفی، یا تناسب. وقتی می‌گویند: فلانی نیکواعتدال است، یعنی در رفتار و کردار قوام و استواری دارد. اعتدال با این حساب به معنی میانه‌گرایی، تناسب، استواری در حرکت و تساوی‌نگری است. عِدل، به معنی خورجین که بر پشت ستوران می‌نهند هم از این کلمه است. چون باید هر دو آنها از حیث وزن، همسان باشند تا استوار بماند و کج نشود. پس وقتی می‌گویند، بار کج به منزل نمی‌رسد، باری را می‌گویند که دو لنگه آن برابر نباشد. از همین‌رو، توازن در جامعه را به خورجین تشبیه کرده‌اند که مدیران امور باید توازن، تناسب و استواری را مشی خود قرار دهند تا همان‌سان که بار متساوی و متناسب سالم به منزل می‌رسد، جامعه هم متوازن و متعادل حرکت کند و لنگ نزند. در متون و میراث اسلامی کلمه «قصد» برای اعتدال به‌کار رفته است. کُمَیتِ زید اسدی شاعر بلند آوازه شیعه که با امام سجاد، امام باقر و امام صادق(ع) در ارتباط بوده و از ارادتمندان اهل بیت است در اشعار هاشمیات که باید گفت «بیانیه» و به تعبیر امروزی «مانیفست» شیعه است، ضمن برشمردن اوصاف و خصایل بنی‌هاشم می‌گوید: در زمانه‌ای که گناه و تفاخر و تکاثر بر جامعه حکمفرما بود، خاندان پیامبر(ص) [اعتدال]، میانه‌روی را برگزیدند و بر آن استوار ایستادند. اصطلاح حاکم مقتصد و امت مقتصد و اقتصاد در رای و اندیشه و همین‌سان کاربرد معنی اقتصاد برای تنظیم بهینه دخل‌وخرج زندگی از واژه «قصد» گرفته شده است و مُقتصد کسی است که نه «مُمسک» است و نه «مُسرف». غزالی که با ادعای خود می‌خواهد در کلام سخن برتر را بر کرسی بنشاند، کتابش را «الاقتصاد فی‌الاعتقاد» نام نهاده است. در علم نجوم هنگامی که در آغاز فصل بهار، شب و روز مساوی می‌شود، «اعتدال ربیعی» و به هنگام آغاز فصل پاییز که باز شب و روز مساوی می‌شود «اعتدال خریفی» می‌گویند. امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: ما خاندان پیامبر «نُمرُقه وسطی» ایم، تکیه‌گاه میان نهاده برای مدبر و مقبلیم. یعنی نقطه هدایت ماییم، آنکه پشت کرده باید برگردد و آنکه جلو افتاده نیز باید به سوی ما روی نهد. به بیان دیگری که امام علی(ع) در جایی از نهج‌البلاغه به‌کار می‌گیرد، تالی و غالی، پس‌افتاده و پیش‌افتاده، هردو باید خود را با شاهین هدایت ما هماهنگ و به ما تکیه کنند. تکیه‌گاه میان نهاده نُمرُقه وسطی، جاده، راه راست، طریق وسطی، همه به معنای قصد است که لغویان آن را «طریق قصد» به معنی راه راست و آسان به‌کار برده‌اند. پس مشی اعتدال امری است که نیاز به درک و درستاندیشی و بازبینی دارد و جز با تکیه بر عقل و حکمت نمی‌توان آن را یافت و بر آن استوار ماند. نباید پنداشت اعتدال در مقابل فضایل و خصایل نیکو یا مانع آنهاست. اعتدال پیمودن و به‌کاربستن فضیلت‌ها و خصلت‌هاست با بهره‌گیری از برهان، خرد، درستاندیشی و مآل‌نگری. امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: معاویه در سیاست توانا‌تر از من نیست بلکه آنچه او می‌کند به ناپرهیزگاری، خیانت و نابکاری است. سر کلام امام این است که معاویه از جاده اعتدال خارج و به افراط در مشی دچار شده و این طغیان است. با چنین کسی نمی‌توان تعامل داشت چون از اعتدال خارج شده و به غدر و مکر دست برده است. انسان‌های معتدل حکیمند، بر خرد و تجربه تکیه می‌کنند، عادلند یعنی بر ستم نمی‌روند، مقتصدند یعنی از اسراف و تبذیر اجتناب دارند. شجاعند یعنی نه براساس تعصب و تحریک بلکه بر بنیاد خرد گام به میدان می‌نهند. بی‌شک مشی مقابل اعتدال افراط، تفریط و از جاده صواب به‌دور افتادن است، که گاه «تعسفی» و گاه «قسری» باید به پهلوی چپ یا پهلوی راست جاده زد و به خاک نشست؛ و گاه کار از افراط به نفاق هم می‌کشد. در آخر باید گفت انسان متعادل فرصت‌ساز است و انسان غیرمتعادل فرصت‌جو.

شرایط تداوم اعتدال‌خواهی و هژمونیک‌شدن آن

علی ربیعی، عضو مرکز تحقیقات استراتژیک

در جامعه ایران و حتی در بین جریان‌ها و نخبگان سیاسی، گاه تمایلی به نسبت‌دادن ارزش ذاتی به واژه‌ها مشاهده می‌شود منظور آن است که خوبی‌هایی را در واژگان سیاسی متصور می‌شوند و فکر می‌کنند مردم همواره در این خوبی‌ها نظر می‌کنند و پای آن می‌ایستند. اما واقعیت این است که واژه‌ها برای مردم ارزش عملی دارند. به میزانی که واژه‌ها و گفتمان‌های متناظر با آنها در حل مسایل کمک کنند، قدرت هژمونیک‌شدن و تداوم در عرصه سیاسی دارند. سود و هزینه ایستادن به پای یک آرمان و واژه‌هایی که بیانگر آن آرمان هستند، در چارچوب نظامی از ارزش‌ها محاسبه می‌شود. سود و زیان اگرچه فراتر از محاسبه‌گری اقتصادی و با لحاظ‌کردن سودها و زیان‌های مادی و غیرمادی، مبنای عمل مردم در قبال واژه‌ها، آرمان‌ها و گفتمان‌هاست. اعتدال‌گرایی نیز در همین چارچوب تحلیل خواهد شد. مردم به شرطی پای گفتمان اعتدال‌گرایی می‌ایستند و از آن حمایت می‌کنند که سودمندی عملی آن به اثبات برسد. این به آن معناست که هر تعریفی از اعتدال، باید به این سوال نیز پاسخ دهد که سودمندی‌های مترتب بر دنبال‌کردن سیاست بر اساس آن تعریف چیست؟ به این ترتیب، اعتدال نه‌فقط عطف به نظام‌های نظری پیشین، بلکه معطوف به نتایجی که مترتب بر سیاستی مبتنی بر اعتدال است، قابل تعریف و قابل تداوم‌یافتن خواهد بود. در صورتی که فایده‌مندی اعتدال بروز کند، مردم و نیروهای سیاسی انگیزه‌های لازم برای حمایت از این گفتمان را خواهند داشت. در چنین شرایطی، بدیهی است که مخالفان گفتمان اعتدال‌طلب، نهایت تلاش خود را برای بی‌اثرکردن اقداماتی که برآمده از اعتدال‌خواهی است، به کار خواهند بست. این تلاش از اقدام برای تحمیل‌کردن تعاریفی از اعتدال که آشکارا با خواست مردم در تضاد است، آغاز شده و از همین‌جاست که یکی از ضرورت‌های برگزاری چنین همایشی نیز آشکار می‌شود. اینچنین همایش‌هایی باید به صورت‌بندی مفهومی از اعتدال که معطوف به‌نتایج سودمند باشد، کمک کنند.اما اگر سودمندبودن را شرط اول تداوم و هژمونیک‌شدن اعتدال تلقی کنیم، دومین شرط مهم تداوم اعتدال‌گرایی، نهادینه‌شدن ساختارهای مولد نتایج سودمند است. ما بیش از هر چیز نیازمند حرکت به سوی ایجاد و نهادینه‌کردن ساختارهایی هستیم که در توفان زمانه و گردش‌های سیاسی از میان نروند. می‌خواهم به این سوال پاسخ دهم که کدامین ساختارهای مولد نتایج سودمند قادرند در برابر تغییرات سیاسی تاب بیاورند؟مشاهده می‌کنیم که گروه‌های فکری با وجود بالاوپایین‌شدن فضای سیاسی و اجتماعی، همواره به‌عنوان عناصر ساختاری عرصه سیاسی، عمل می‌کنند. انتخابات سال ۱۳۹۲ نشان داد گروه‌های فکری به‌شدت بر نتیجه انتخابات تاثیر گذاشتند. بسیج آرا و بازیگری در عرصه انتخابات، محصول تشکیلاتی بود که افرادش حضور داشتند هرچند به صورت رسمی دیده نمی‌شدند. اما چرا موجودیتی که دیده نمی‌شود قادر است چنین تاثیری بر فضای سیاسی و اجتماعی باقی بگذارد. بخشی از پاسخ در این واقعیت نهفته است که تشکیلات و ساختار به رسمیت شناخته‌نشده، پشتوانه و نیروی اجتماعی بزرگی را نمایندگی می‌کند. تغییرات ایجادشده در ایران در سه‌دهه گذشته، این نیروی اجتماعی را برای این تشکیلات هرچند غیررسمی خلق کرده است.از این بحث مختصر می‌خواهم نتیجه بگیرم که آن عناصر ساختاری قدرت دوام‌آوردن و تاثیرگذاری دارند که برآیند و نمایندگی‌کننده نیروهای اجتماعی باشند. بنابراین هژمونیک‌شدن گفتمان اعتدال‌گرایی و تبدیل‌شدن آن به عنصری ساختاری که مداوم باشد، نیازمند پیونددیافتن آن با نیروهای اجتماعی است. گفتمان اعتدال‌گرایی باید تداوم خود را در نمایندگی‌کردن نیروهای اجتماعی موثر جامعه ایران بیابد.بر این اساس، تمهیدکردن فهم جامعه‌شناختی دقیق از نیروهایی که پشتوانه این گفتمان به‌حساب می‌آیند، اهمیت راهبردی دارد. هرگونه صورت‌بندی معنای اعتدال نیز باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که خواست این نیروهای اجتماعی در آن بازتاب یابد.به این ترتیب، می‌توان گفت تعریف‌کردن اعتدال، به همان اندازه که کنشی معرفتی است، کنشی سیاسی- اجتماعی نیز هست. هرگونه تعریفی از اعتدال، تاثیری بر نیروهای اجتماعی خواهد داشت و در توزیع آینده قدرت موثر خواهد بود. شرایط تداوم و هژمونیک‌شدن گفتمان اعتدال، به توازن برقرارکردن میان تعریف بر مبنای معرفت‌شناختی و مبنای سیاسی و جامعه‌شناختی این مفهوم بستگی دارد.

بخش کوتاهی از متن ارایه شده در همایش تبیین مفهوم اعتدال

نگاه

شرایط امکان تداوم اعتدال‌گرایی در عرصه سیاسی

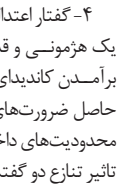

محمدجواد غلامرضاکاشی
عضو هیات‌علمی دانشگاه علامه‌طباطبایی

● ۱- اعتدال‌گرایی یک گفتمان نیست، بلکه یک روش و خط‌مشی در عرصه سیاسی است. درک نادرست از مفهوم گفتمان در سال‌های اخیر عبارت بوده از ساخت‌وپرداخت ارادی شبکه‌ای انسجام‌یافته از مفاهیم، که مقاصدی را در عرصه سیاسی تعقیب می‌کند. به‌کرات از ساختن یک گفتمان می‌شنویم که مقصود از آن، جهد جمعی صاحبان قلم و فکر و فعالان سیاسی برای تمهید یک منظومه فکری جاذبه‌افکن در عرصه سیاسی است. در حالی که گفتمان به‌معنای عمیق کلمه، پیکرهای کلان معنایی است که بازتاب شکاف‌های عمیق و عینی در سطح اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند.

۲- در ایران با دو پیکربندی کلان گفتمانی مواجهیم: نخست گفتمانی که همساز با سنت از هویت جمعی برمبنای معنویت دینی دفاع می‌کند، خواهان یکپارچگی حول‌وحوش باورها و مناسک دینی است، تابع الهیاتی دوگانه‌ساز بر مبنای دارالمومنین و دارلکفر ساخته شده، آخرت‌گرا و مدافع یک حکومت تماما دینی در عرصه سیاسی است. در مقابل با سازه گفتمانی دیگری مواجهیم که همساز با سازوکارهای مدرن، دنیاگراست، برای این جهان موضوعیت قایل و کثرت‌گراست، از صورت‌بندی‌های مستقل از دین دفاع می‌کند و در عرصه سیاسی مدافع سکولاریسم و نظم دموکراتیک است. اعتدال یک بازیگر زبانی است که می‌تواند در این شقاق گفتمانی نقش‌هایی ایفا کند. تلاش برای تبدیل‌کردن اعتدال به یک گفتمان با این سودای ناممکن پشتیبانی می‌شود که گویا می‌توان در شکاف عمیق میان دو اردوگاه سنت‌گرا و مدرن، عرصه سومی پدید آورد.

۳- در منظر نظریه گفتمان می‌توانیم از معنای اعتدال در شبکه تنازعات گفتمانی در ایران بپرسیم. به‌جای رجوع به معنای تحت‌اللفظی این مفهوم، یا حتی به جای رجوع به معنای آن در اندیشه و علم سیاست، باید از نحوه تکوین و تکامل معنایی اعتدال در زمینه خاص ایران بپرسیم. اعتدال واژه‌ای است که در بستر تنازع میان دو گفتمان رادیکال پیش‌گفته در ایران ظاهر شد. در مقابل ستیز میان دو اردوگاه سنت‌گرا و مدرن، اعتدال در روایت دولت سازندگی و در نیمه دهه ۷۰، به منزله گفتاری ظاهر شد که تلاش داشت گروه‌ها و گفتارهای مدافع الگوی سنتی یا مدرن را تحقیر کند و زبانی برای حل‌وفصل نهایی منازعه در میدان عمل پدید آورد. به این معنا هدف ایجاد یک موازنه منفی در عرصه سیاسی بود.

۴- گفتار اعتدالی دو دهه پیشینه دارد اما در تولید یک هژمونی و قدرت اجتماعی ناموفق بوده است. برآمدن کاندیدای منادی اعتدال در انتخابات اخیر حاصل ضرورت‌های ناشی از فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های داخلی بوده است. این ضرورت‌ها موقتا تاثیر تنازع دو گفتمان پیش‌گفته را در عرصه سیاست به تعلیق انداخته است. ناکامی دولت اعتدالی یا فراهم‌آمدن هر امکان تازه‌ای برای بیرون‌آمدن از فشار برای دو جریان آموزه‌پرداز مدرن و سنتی، می‌تواند اعتدال‌گرایی را بی‌معنا کند.

۵- به‌جای گفتمان اعتدال باید از نقش اعتدال‌گرایی در تنازعات رادیکال گفتمانی در ایران پرسید. تاکنون اعتدال‌گرایی مدعی بوده که هردو گفتار سنت‌گرا و مدرن را می‌تواند تحت عنوان افراط‌گرایی به‌کلی در عرصه عمومی طرد و نفی کند. اما تجربه تاریخی نشانگر ناکامی در این زمینه است. به‌نظر می‌آید فرصت تاریخی امروز برای اعتدال‌گرایی باید مصروف استراتژی تازه‌ای شود. فراهم‌کردن زمینه برای تنازع مدنی میان ساختارهای گفتمانی در ایران امروز؛ به جای سودای پایان‌بخشیدن به تنازعات، باید امکانات حیات مدنی برای هردو فراهم شود. جانبداری ساختارهای سیاسی از هریک از این دو به حداقل رسانیده شود و به جای آن فرصت‌های حیات مدنی هریک فراخ‌تر شود. اعتدال‌گرایی می‌تواند بسترساز حضور و رقابت این هردو در عرصه مدنی باشد. به این معنا اعتدال‌گرایی بسترساز گسترش عرصه عمومی در ایران خواهد بود. می‌توان از این استراتژی تحت عنوان موازنه مثبت به جای موازنه منفی پیشین سخن گفت. اعتدال‌گرایی هرچه بیشتر بتواند ساختار سیاسی را در این منازعه از بازیگر به داور تبدیل کند، امکان حیات و تداوم خود را تضمین کرده است. نتیجه آنکه گفتمان اعتدال‌گرایی باید بسترساز ارجاع هردو جریان سنت‌گرا و مدرن به حوزه اجتماعی و فرهنگی باشد. تاثیر این هردو در عرصه سیاسی اجتناب‌ناپذیر است اما هرچه این تاثیر با واسط